

الگوی پیشنهادی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی

حسین باقری^۱

اله مراد سیف^۲

نجفعلی شهبازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۲/۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال دهم / شماره سی و چهارم - بهار ۱۳۹۶

چکیده

دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی یا سیاستی است که به اداره و هدایت روابط اقتصادی بین‌المللی می‌پردازد. یکی از سیاست‌های کارآمد و راهبردی برای کسب امتیاز در صحنه رقابت اقتصاد جهانی برای پیشرفت اقتصادی، از تلاقی دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی با عنوان «دیپلماسی اقتصادی» حاصل می‌شود. دیپلماسی اقتصادی به دنبال تبدیل کردن منابع قدرت موجود در حوزه اقتصاد به قدرت واقعی و در نتیجه، افزایش اقتدار یک ملت است.

این تحقیق به دنبال شناسایی الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عمق‌بخشی خارجی است. این کار با احصای نقش ابعاد حوزه اقتصادی دولت، سیاست خارجی و سازمان‌های عمل‌کننده بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است.

روش تحقیق از نوع توصیفی-کاربردی و مبتنی بر مدل معادلات ساختاری است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، بین الزامات اقتصادی دولت، الزامات سیاست خارجی و الزامات سازمان‌های عمل‌کننده رابطه‌ای قوی و معنادار وجود دارد و همه ابعاد سرمایه فکری به طور مثبت و معنی‌داری روی دیپلماسی اقتصادی تأثیر گذارند و از میان ابعاد، الزامات سیاست خارجی بیشترین تأثیر را بر دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر عمق‌بخشی خارجی دارد.

واژگان کلیدی

دیپلماسی اقتصادی، الزامات اقتصادی، سیاست خارجی، عمق‌بخشی خارجی

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۳. دانشجوی دکتری مطالعات بین‌المللی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

بیان مسئله

نظام اقتصاد بین‌الملل امروزه از ویژگی‌هایی جهانی‌شمول برخوردار است و با بهره‌گیری از مرزهای سیال، فضای جریان‌ها را جایگزین فضای مکان‌ها کرده است. در این شرایط ساختاری، دغدغه دولت‌ها از مسائل امنیتی و سیاسی به مسائل اقتصادی و مشخصاً به سهیم شدن در بازارهای تولید، تجارت و سرمایه جهانی یا به تعبیری به فتح بازارها تغییر کرده است. از مهم‌ترین نشانه‌های این تحول کارکردی دولت‌ها در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، در گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزار نوین و کارآمد تعامل در اقتصاد جهانی و دستیابی به توسعه به چشم می‌خورد. بر این اساس در کانون گفتمان اقتصاد سیاسی ایران نیز موضوع توسعه اقتصادی جای گرفته است. ویژگی‌های ساختاری ایران به عنوان کشوری در حال توسعه و همچنین ساختار تحریم‌های غرب علیه آن ایجاب می‌کند استراتژی‌هایی از فروش مواد خام و افزایش تولیدات داخلی و صادرات آنها، همان‌گونه که مقام معظم رهبری تأکید کرده‌اند، در اولویت قرار گیرد. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران همواره تحت تأثیر دو نحله فکری خوش‌بینانه و بدبینانه به موضع‌گیری در برابر اقتصاد جهانی، از واگرایی از اقتصاد جهانی تا همگرایی با آن و تمرکز اقتصادی تا آزادسازی فرایند تولید و تجارت پرداخته و استراتژی توسعه‌ای آن نیز به شدت از این مواضع تأثیر گرفته است.

از طرفی گفتمان کلان حاکم بر ساختار اقتصاد سیاسی ایران تولید برای بازارهای جهانی و تبدیل شدن به بازیگری فعال در عرصه اقتصاد سیاسی جهانی است. طبیعتاً دستیابی به این راهبرد سلسله الزاماتی را برای تک تک نهادها و حلقه‌های تصمیم‌گیری کشور ایجاد می‌کند. مهم‌ترین این نهادها که به طور مستمر با کانون‌های سیاسی- اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارتباط دارند، دستگاه‌های دیپلماسی، بخش خصوصی و حوزه اقتصادی دولت هستند. بنابراین، تبیین رابطه بین دیپلماسی و پیشرفت اقتصادی در چارچوب اقتصاد سیاسی جهانی و از طریق سیاست خارجی ضروری است. در توضیح مطلب باید افزود که ایران شرایطی خاص دارد؛ زیرا اولاً کشور با موانع و چالش‌هایی برای ورود به بازارها و عرصه اقتصاد جهانی مواجه است و از سوی دیگر، دهه‌هاست در معرض سیاست‌های تحریمی غرب قرار دارد. از این رو، تعامل ایران با نظام اقتصاد جهانی در عین حال که ضرورتی آشکار است، پیچیدگی‌هایی نیز دارد که مدیریت دیپلماسی اقتصادی را به مقوله‌ای کاملاً حرفه‌ای و مهارت‌محور تبدیل می‌کند.



اینکه کشور چگونه و با تبعیت از چه الگویی می‌تواند دیپلماسی اقتصادی را در راستای عمق‌بخشی خارجی پیش ببرد و چه عواملی بر این بخش تأثیرگذار خواهند بود، موضوعی است که این تحقیق تلاش می‌کند با جامعیت خوبی آن را پوشش دهد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق یک پژوهش کاربردی- توسعه‌ای است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های خبرگی و پیمایشی و گروه‌های کانونی و برای تحلیل داده‌ها از تحقیق همبستگی استفاده می‌شود. در بخش جمع‌آوری داده‌ها نیز علاوه بر مصاحبه با خبرگان و استفاده گسترده از مطالعات کتابخانه‌ای برای رسیدن به پرسشنامه‌ای جامع و کامل، از روش‌های دیگری نیز استفاده می‌شود. این تحقیق به لحاظ نحوه بررسی روابط، از نوع روش همبستگی است که به روش معادلات ساختاری انجام می‌شود.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

۱. پیشینه تحقیق

نیکلاس باین و استفان وولکاک در پژوهشی به نام «دیپلماسی اقتصادی نوین» که به سفارش دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، توسط دکتر محمدحسن شیخ‌الاسلامی ترجمه و چاپ شده است، درباره نحوه جهت‌دهی دولت‌ها، به روابط اقتصادی بین‌المللی‌شان در آغاز قرن ۲۱ و به مسائلی مانند نحوه اتخاذ تصمیم‌های داخلی، نحوه مذاکرات بین‌المللی با سایر دولت‌ها و نحوه تعامل این دو فرایند با یکدیگر می‌پردازند. هر چند دولت‌ها محور این مطالعه هستند، اما علاوه بر آن، کنگش‌ران غیردولتی هم که تأثیرشان بر فرایند تصمیم‌سازی در حال افزایش است، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مارک جی. سی. کرسنزی در تحقیق «تأثیر روابط اقتصادی در مجادلات سیاسی و روابط بین‌الملل با شیوه‌های کمی و کیفی تحلیل» سعی کرده است درک مناسبی از تعامل استراتژیک در تحلیل وابستگی متقابل و تضاد سیاسی به دست دهد. در این تحقیق مبانی تئوریک بررسی شده است.

ضیاءالدین صبوری و همکاران در مقاله «سازمان‌های بین‌المللی و الگوهای همکاری اقتصادی- سیاسی شمال- جنوب» به چیستی و ماهیت نقش نهادهای بین‌المللی در همکاری اقتصادی- سیاسی شمال- جنوب پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان سازگاری مربوط به فرضیه اول بیشتر از فرضیه‌های رقیب است. این



مسئله بیانگر آن است که در شرایط فعلی، سازمان‌های بین‌المللی مالی و تجاری منافع شمال- جنوب را به صورت متوازن برآورده نمی‌کنند.

با بررسی آثار فوق، به این نتیجه رسیدیم که هنوز اثر جامعی درباره موضوع این پژوهش به زبان فارسی نگاشته نشده و بیشتر مقالات و کتب منتشرشده هرچند دیپلماسی اقتصادی را محور بحث خود قرار داده‌اند، عموماً مصداق‌های دیگری را به عنوان مطالعه موردی بررسی کرده‌اند.

۲. تعاریف و مفاهیم

الف) دیپلماسی اقتصادی

اگر چه تعریف دقیقی از دیپلماسی اقتصادی در دست نیست، اما می‌توان آن را تنظیم و پیشبرد سیاست‌های مرتبط با تولید، جابه‌جایی یا مبادله کالاها، خدمات، کار و سرمایه‌گذاری در سایر کشورها تعریف کرد. یک مشخصه متمایز دیپلماسی اقتصادی این است که بخش‌های خصوصی برای تأثیرگذاری بر مذاکره و با هدف باقی ماندن در بازار رقابتی جهانی یا منطقه‌ای در فرایند سیاست‌گذاری مشارکت می‌کنند.

جهانی شدن اقتصادی به شکل فزاینده‌ای دیپلماسی اقتصادی را به سازه‌ای مهم در سیاست خارجی تبدیل کرده است. دیپلماسی اقتصادی با پیش‌بینی وضع آینده رژیم‌های بازرگانی نیز ارتباط دارد و از این رو نیازمند درک و شناخت مؤلفه‌های مؤثر بازار در محیط اقتصادی جهانی است و در این فرایند، کشور باید برای پیشبرد منافع اقتصادی خود تصمیم‌گیری کند (هارون‌الرشید، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

ب) عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی ایران

عمق‌بخشی عبارت است از: تقویت و توسعه، افزایش اقتدار، تأثیرگذاری، نفوذ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای جغرافیایی کشور در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ... در دولت‌ها و ملت‌های گوناگون با ویژگی‌های دفاع از مسلمانان و مستضعفان غیرمعارض با اسلام، بازدارندگی مؤثر و توان تغییر راهبردها و سیاست‌های دشمن، توان وادار کردن دشمن به انصراف از حمله یا تهدید جمهوری اسلامی ایران، قادر بودن به واکنش سریع در خارج از کشور با قابلیت بی‌اثر یا کم‌اثر کردن و دور کردن تهدیدها و پرهزینه کردن تهدیدهای خارجی به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی (صفوی، ۱۳۸۸).



ج) الزامات اقتصادی

شامل آن دسته از عواملی است که موجب فراهم آوردن زیرساخت‌های نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و ظرفیتی اقتصادی می‌شود که محصول آن آمادگی کشور برای ارائه یک الگوی اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی در راستای سند چشم‌انداز است. این اقتصاد دانش‌بنیان باید بتواند زیرساخت و لوازم لازم را برای الگوی ایرانی-اسلامی در منطقه فراهم کند.

در این تحقیق با بررسی مطالعات، نظریه‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده، بر اساس نظریه‌های مختلف، به عواملی دست می‌یابیم که لازمه ایجاد زمینه برای دیپلماسی اقتصادی موفق در حوزه اقتصاد است؛ مانند عوامل اقتصادی افزایش قدرت ملی و کارکردهای اقتصادی قدرت ملی همراه فرصت‌های موجود در روابط اقتصادی دوجانبه کشورها.

د) الزامات سیاست خارجی

ارتباط سیاست خارجی و اقتصاد در دنیای کنونی مسئله‌ای بدیهی است. اهمیت این موضوع زمانی روشن می‌شود که بخش عمده‌ای از کشورهای دنیا، نهادها و معاونت‌های گسترده اقتصادی را در دستگاه دیپلماسی خود برای استفاده از ظرفیت‌های این حوزه به منظور پیشبرد اهداف ملی‌شان ایجاد کرده‌اند و برخی قدرت‌های جهانی نیز اساساً مسائل اقتصادی را به عنوان شاخصی مهم در بسیاری از سیاست‌گذاری‌های خارجی خود مورد توجه قرار می‌دهند.

با توجه به این مسئله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، الزامات و ضرورت‌های سیاست خارجی را در پیشبرد و تحقق اقتصاد مقاومتی که مبنای دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، ارائه کرده است. شاخص‌های این اصول عبارت‌اند از: جهت‌گیری بر اساس سند چشم‌انداز، سیاست خارجی کنش‌گرا به جای کنش‌پذیر (اتخاذ دیپلماسی فعال)، استراتژی همسایگی خوب، استفاده از فرصت‌های استراتژیک، تداوم گفتمان مقاومت در مقابل سلطه.

ه) حوزه سازمان‌های عمل‌کننده

برای اجرای رسالت عمق‌بخشی در کشوری دیگر نیاز به سازوکار خاص و همکاری و هماهنگی سازمان‌هایی در داخل و خارج کشور است که بتوانند در زمینه‌های امنیتی،



سیاسی و اقتصادی برنامه‌ریزی هدفمند به منظور تعمیق انقلاب اسلامی در کشور هدف انجام دهند و به خوبی آن را به مرحله اجرا درآورند. مجموعه سازمان‌های درگیر در این حوزه را «حوزه سازمان‌های عمل‌کننده» تعریف می‌کنیم. مهم‌ترین نهادهای در این زمینه که این سازمان‌ها با سازوکار خاص خود باید به کار گیرند منطقه‌گرایی و ائتلاف استراتژیک در مقابل نظام سلطه، همکاری با کشور مد نظر در حوزه امنیتی و تسهیل مراودات اقتصادی، دیپلماسی عمومی ایران در کشور هدف و مدیریت چالش‌های حضور ایران در آن کشور است.

۳. نظریه‌های مرتبط با تحقیق

الف) الگوی توسعه برون‌گرای کامل

این الگو به کشورهایی با سیاست کاملاً برون‌گرای اقتصادی مربوط است که از یک سو بر صادرات و تولید بر مبنای مزیت نسبی به منظور افزایش صادرات تکیه می‌کنند و از سوی دیگر، در مقابل واردات نیز محدودیتی ایجاد نمی‌کنند (Greenaway and Hyun Nam, 1988: 419). با توجه به الگوی اقتصادی مذکور، سازمان تجارت جهانی به عنوان یک سازمان تخصصی سازمان ملل متحد، هدف افزایش آزادی در تجارت را دنبال می‌کند و همه سازوکارهای اجرایی آن نیز براساس نظریه مزیت نسبی توجیه می‌شود. بنابراین برای تحقق بخشیدن به این هدف، هرگونه ابزار و سازوکاری را که سبب رقابتی‌تر شدن فضای بین‌المللی تجارت شود، تشویق و اجرا می‌کند. از این رو، می‌تواند به دولت‌های عضو کمک کند تا الگوی برون‌گرای توسعه را اتخاذ کنند. اقتصاددانان علاقه‌مند به موضوع جهانی شدن، سازمان تجارت جهانی را چراغ راه مذاکرات جهانی شدن و عدالت جهانی تلقی می‌کنند. برخی دیگر از دانشمندان پیامدهای منفی آن را از لحاظ اجتماعی مورد انتقاد قرار داده‌اند. سازمان تجارت جهانی همواره به عنوان یک بازیگر کلیدی ظاهر شده و به عنوان سمبل جهانی شدن معاصر مطرح است (Geboye, 2003). منابع داده‌ها مربوط به الگوی برون‌گرا و نقش سازمان تجارت جهانی از اعتبار متوسط برخوردار است، زیرا این دیدگاه‌ها، جانبدارانه هستند. از سوی دیگر، الگوی برون‌گرای کامل تبعاتی دارد به گونه‌ای که کمتر دولتی، این الگو را پیش گرفته است (William, 1978:1).



ب) الگوی برون‌گرای تعدیل‌شده

گروه دوم شامل کشورهایی است که هر چند دیدگاه برون‌گرای خود را حفظ کرده‌اند، اما در مقابل واردات برخی کالاها و خدمات، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای ایجاد کرده‌اند. این دسته از کشورها در واقع سیاست برون‌گرای تعدیل‌شده را پیش گرفته‌اند. گذار از دوران اقتصاد تک‌محصولی و دستیابی به جهش صادرات در دنیای امروز در جایی که رقابت در عرصه جهانی روز به روز فشرده‌تر می‌شود و عرضه‌کنندگان به تمام ابزارهای نوین بازاریابی مجهز می‌شوند، کار چندان ساده‌ای نیست و نیازمند همسویی اقتصاد ملی با تحولات جهانی است (Tylor, 1981:121). نهادهای مالی سازمان ملل متحد به عنوان یکی از انواع سازمان‌های تخصصی آن نیز در بسط الگوی توسعه برون‌گرا و همکاری سیاسی-اقتصادی کشورها از طریق طرح ابتکارات خاصی نقش‌آفرینی کرده‌اند.

ج) الگوی درون‌گرای تعدیل‌شده

گروه سوم کشورهایی هستند که سیاست درون‌گرا دارند و هدف سیاست تجاری آنها بازدارندگی واردات است. این دسته از کشورها با هدف رفع نیازهای داخلی به تولید روی می‌آورند و به منظور حمایت از تولیدات داخلی، موانعی برای واردات ایجاد می‌کنند. این گروه، درون‌گرای تعدیل‌شده هستند و صادرات تک‌محصولی دارند. امروزه در بحث توسعه اقتصادی، این استراتژی‌ها به استراتژی توسعه صادرات و استراتژی جایگزینی واردات معروف شده‌اند. استراتژی «جایگزینی واردات» را راثول پربیش، اقتصاددان آرژانتینی، در نهاد اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین ارائه کرد. پربیش و همکارانش در اکلا باور داشتند که اگر کشوری راهبرد جایگزینی واردات را پیش بگیرد، از سویی درجه وابستگی کمتری به خارج خواهد داشت و از سوی دیگر، با رشد صنعتی در داخل می‌تواند استغلال ایجاد کند (Geboye, 2003:1).

د) الگوی درون‌گرای کامل

فرق گروه چهارم با گروه سوم در این است که گروه چهارم کاملاً درون‌گرا هستند، اما گروه سوم درون‌گرای تعدیل‌شده هستند. صادرات گروه سوم تک‌محصولی و گروه چهارم مواد اولیه و خام است. از نظر برخی اقتصاددانان جنوب، آنچه مشکل تولیدکنندگان مواد اولیه است، این است که بر اساس نظریه مزیت نسبی، کشورهای



در حال توسعه باید کالاهای اولیه از قبیل مواد خام، سوخت یا محصولات کشاورزی تولید کنند که در آن تخصص دارند، اما انجام این فعالیت در عمل از تولید محصولات با ارزش افزوده بالا جلوگیری می‌کند (Feeder, 1982: 5973). بر اساس الگوی درون‌گرایی کامل، کشورهایی که مواد خام صادر می‌کنند و سیاست درون‌گرایی کامل دارند، چون صادرات آنها فقط محصولات و منابع طبیعی است و ارزش افزوده‌ای ندارد و از طرف دیگر، واردات آنها محصولات با ارزش افزوده بسیار بالاست، تأثیر منفی واردات و صادرات بر اقتصاد آنها سنگینی می‌کند. منابع داده‌های مربوط به الگوی درون‌گرایی کامل و نقش سازمان کنفرانس اسلامی و سایر بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای در دادن خط‌مشی‌ها و همکاری کشورهای جنوب از اعتبار متوسط برخوردار است.

ه) الگوی درون‌زای برون‌گرا (اقتصاد مقاومتی)

استراتژی تجاری و اقتصادی می‌تواند ضمن جلوگیری از سیاست‌زدگی به گونه‌ای طراحی شود که در آن منافع اقتصادی حداقل در حد و اندازه مصالح سیاسی و ایدئولوژیک اهمیت داشته باشد. همچنین تغییر رویکردها در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی و بازرگانی در جهت تقویت اقتصاد مقاومتی و صادرات محور براساس بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مستلزم دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی مقتدرانه و فعال با هدف ایجاد توان رقابت در بازارهای بین‌المللی، به ویژه در شرایط پساتحریم، و تقویت روابط تجاری با کشورهای دیگر است. ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط رهبر معظم انقلاب، راهبرد تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی در دهه پیشرفت و عدالت را ترسیم می‌کند که رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا را مد نظر قرار می‌دهد. این رویکرد انفعالی و فرصت‌سوز نیست و دو مفهوم برون‌گرایی و درون‌گرایی به معنای استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی و با رویکرد صادرات محور و کسب جایگاه درخور توجه در بازارهای بین‌المللی را مورد توجه قرار می‌دهد که این امر مستلزم نگاه توسعه‌گرایانه در عرصه سیاست خارجی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲). در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به موضوع ارتباط با سازمان‌های جهانی اشاره و در بند دوازدهم آن برای افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور راهکارهای زیر ابلاغ شده است:

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان؛



- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی؛
- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

افزون بر این، تدوین متن نهایی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در آبان ۱۳۸۲ با هدف برنامه‌ریزی سیاست‌های داخلی و خارجی برای تبدیل ایران به قدرت برتر در منطقه آسیای جنوب غربی صورت گرفته است و بر همین اساس، پس از قانون اساسی، مهم‌ترین سند بالادستی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود (جنتی، واعظی و کرباسیان، ۱۳۹۳). در واقع، سند مذکور درصدد دستیابی به توسعه ملی پایدار از مسیر تعامل سازنده و مؤثر با نظام بین‌الملل با اهداف تأمین امنیت، اقتدار و استقلال حداکثری و با برخورداری از جایگاه نخست منطقه‌ای است و به عبارتی، توسعه اقتصادی را با نگاهی برون‌گرا و در تعامل با اقتصاد جهانی تعریف می‌کند.

۴. دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

الف) بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

برخورداری از سیاست خارجی موفق اقتصادمحور ضمن پایبندی به ارزش‌های آرمانی و ایدئولوژیک، مستلزم داشتن ضروریات و الزاماتی است که جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به جایگاه مهمش در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و با هدف ارتقای این موقعیت در عرصه نظام اقتصادی بین‌الملل، از آن برخوردار است و با مورد توجه قرار دادن آن در عرصه‌های ملی و فراملی می‌تواند روند دستیابی به اهداف را در حوزه مذکور تسهیل کند.

- در ابعاد بین‌المللی

شناخت تحولات ساختاری: درک تغییرات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را می‌توان نخستین الزام و پیش‌شرط موفقیت در حوزه دیپلماسی سیاسی و اقتصادی بیان کرد. به منظور مدیریت و هدایت مطلوب تحولات بین‌المللی، به عنوان جوهر دیپلماسی، درک و شناخت این تحولات توسط تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران و مجریان دیپلماسی امری ضروری محسوب می‌شود.

درک صحیح منافع ملی سایر کشورهای طرف تعامل: تلاش بر آگاهی یافتن از اولویت‌ها و ملاحظات سایر طرف‌های بین‌المللی در عرصه سیاست خارجی می‌تواند در بسیاری از موارد در صفحه بازی شطرنج نظام بین‌الملل حائز اهمیت و راهگشا باشد.



شناخت بازارهای هدف و برنامه‌ریزی به منظور دسترسی به آنها: از آنجا که سند چشم‌انداز بیست ساله کشور بر توسعه تأکید دارد و کسب جایگاه نخست اقتصادی و علمی را در منطقه هدف قرار داده است، به طور طبیعی سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی کشور باید در جهت اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ تنظیم شود و از هر اقدامی که آثار منفی بر مناسبات اقتصادی و بازرگانی به دنبال داشته باشد، جلوگیری کرد. در این راستا، دسترسی آسان به بازارهای هدف و کاهش موانع تجاری همراه تنظیم قوانین و مقررات برای ایجاد تسهیلات بیشتر دو جنبه اساسی مناسبات بازرگانی دوجانبه و چندجانبه به شمار می‌آیند (واعظی، ۱۳۸۸).

- در ابعاد ملی

توجه به جایگاه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک ایران: جایگاه سیاسی و استراتژیک ایران در غرب آسیا، پیشینه تمدنی و فرهنگی و برخورداری از منابع غنی انرژی و معادن، نقشی مؤثر در امور منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به جمهوری اسلامی داده است؛ به گونه‌ای که کشورمان همواره از تحولات بین‌المللی متأثر شده و همچنین تحولات درونی آن در حوزه منطقه‌ای و در برخی موارد در سطح جهانی تأثیرگذار بوده است. براساس تنوع جغرافیایی و برخورداری از منابع انسانی کارآمد، به عنوان مهم‌ترین فرایند توسعه ملی، ایران در میان ۱۲ کشور نخست در جهان قرار دارد و همسایگی با پانزده کشور می‌تواند جمهوری اسلامی را به گرانیگاه توزیع کالا و انرژی تبدیل کند که از منظر دیپلماسی انرژی، ایران می‌تواند از جایگاه حداکثری در عرصه بین‌المللی برخوردار باشد.

درک صحیح از منافع ملی کشور خود: مدیریت و کارگردانی منافع متضاد و متعارض و رفع این تضادها، تعارضات و منازعات را می‌توان یکی از مهم‌ترین ابعاد و کارکردهای دیپلماسی بیان کرد که از طریق مذاکره و مصالحه و چانه‌زنی انجام می‌گیرد.

هماهنگی میان دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی: منظور از ساختار اقتصاد سیاسی ملی پیوند میان جامعه، سیاست و اقتصاد است که در تحولات مربوط به فناوری، تولید ثروت و توزیع عادلانه نقش دارد. سامان و روابط اجتماعی متعادل متأثر از فرهنگ و مذهب قوی در تربیت طبقات کارآفرین، کارگر، فن‌سالار، متوسط و با ماهیت فعال، خلاق، با قدرت خطرپذیری بالا و متعهد به بستری از روابط و ابزار تولید منسجم و کارآمد است (شکوهی، ۱۳۹۴).



دیوان‌سالاری‌های فعال در حوزه دیپلماتیک در سه سطح گفتمانی، ساختاری و کارکردی لازم و ضروری به نظر می‌رسند که در سطح نخست، کارگزارها و وزارتخانه‌ها لزوماً از یک نظام معنایی و انگاره‌ای یا گفتمان واحد برخوردارند که البته این وحدت گفتمانی شرطی لازم است، اما کافی نیست. دیپلماسی اقتصادی موفق همچنین مستلزم وحدت ساختاری است؛ بدین مفهوم که تمامی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها بر پایه نقش، جایگاه و کارکردهای تعیین‌شده در سلسله مراتب تصمیم‌گیری به ایفای نقش می‌پردازند (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۹۱).

استفاده بهینه از قدرت نرم: قدرت نرم به مفهوم توانمندی در عرصه هنجارسازی، اقناع‌سازی، بیان ارزش‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه اقتصادی و همچنین قدرت مدنی و استفاده بهینه و مطلوب از این عناصر غیرمادی و تأثیرگذار با هدف تأثیرگذاری در ابعاد فراملی بر سایر کنشگران دولتی و غیردولتی در ابعاد فروملی، ملی و فراملی را می‌توان ضرورتی دیگر به منظور تقویت دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی بیان کرد (روحانی، ۱۳۸۹).

فضاسازی برای حضور بخش خصوصی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در ابعاد بین‌المللی: حضور فعال در عرصه‌های اقتصاد سیاسی در سازمان‌ها و نهادهای تأثیرگذار منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تحقق اهداف و منافع ملی و تهدیدزدایی از عوامل مهم در حوزه دیپلماسی اقتصادی ایران به شمار می‌روند؛ به ویژه آنکه گاه تصمیم‌هایی در این نهادها اتخاذ می‌شود که در غیاب یک کشور یا حضوری غیرفعال می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری به منافع ملی وارد آورد.

ب) محذورات جمهوری اسلامی ایران در عرصه دیپلماسی اقتصادی

- فراز و فرود در حوزه سیاست خارجی

تعامل میان سه حوزه اقتصاد، سیاست و اجتماع در عرصه اقتصاد بین‌الملل امری اساسی است که تا حدودی در عرصه ملی نادیده گرفته شده است. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران با ساختار کنونی نظام اقتصاد بین‌الملل از منظر ارزشی موافق نیست. در کنار آن، گاه شناخت کافی از ظرفیت‌ها، تحولات، روندها، رویه‌ها و رژیم‌ها و عناصر، از جمله سازمان‌های اقتصادی و شرکت‌های چندملیتی، مالیه و تجارت، نقش فناوری اطلاعات و روش‌ها و فنون این نظام و علل و چگونگی ابراز مخالفت مؤثر را ندارد. به نظر می‌رسد هدف از تنظیم سند چشم‌انداز بیست ساله جلوگیری از



نوسانات در حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی است تا با تأسی از یک برنامه هدفمند و بلندمدت، اهداف و محورهای مد نظر نظام را در عرصه‌های فراملی، به ویژه کسب جایگاه نخست در منطقه، روشن کند.

- اعمال فشارهای اقتصادی

اعمال تحریم‌های اقتصادی گسترده به دلایل گوناگون از جانب برخی قدرت‌های بین‌المللی، به ویژه آمریکا، و سازمان ملل متحد و همچنین همراهی برخی واحدهای سیاسی در جامعه بین‌المللی با تحریم‌کنندگان از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مانع و چالشی مهم در مسیر توسعه اقتصادی ایران محسوب شده است. هر چند نیاز می‌تواند زمینه تلاش به منظور رفع آن و در نتیجه گام گذاشتن در مسیر خودکفایی را به دنبال داشته باشد، که جمهوری اسلامی نیز در سایه آن توانست به پیشرفت‌های مهمی دست یابد، اما تحقق این موضوع مستلزم پرداخت هزینه‌های گوناگونی است. بنابراین، اعمال تحریم‌های اقتصادی با هدف بازدارندگی و تلاش برای اصلاح رفتار ایران و محروم کردن آن از فناوری‌های نو انجام گرفته است و این موضوع به ویژه در صنعت انرژی، به طور عام مشهود است. افزون بر این، قرار دادن ایران در زمره کشورهای حامی تروریسم و تهدید خواندن آن برای جامعه بین‌المللی، متعاقب تصویب قطعنامه‌های متعدد در شورای امنیت سازمان ملل متحد و قرار دادن کشورمان تحت فصول هفتم و هشتم منشور این سازمان نیز مانع مهمی سر راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فعال شدن دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی بوده است.

- تعریف نکردن روشن اهداف اقتصادی در عرصه سیاست خارجی

اهداف اقتصادی در عرصه تعاملات خارجی جمهوری اسلامی به طور عملی و شفاف تعریف نشده است. افزون بر این، دستگاه دیپلماسی به لحاظ ساختار سازمانی و انسانی، انگیزه و امکانات لازم را ندارد و از ظرفیت رسانه‌ها و بخش خصوصی حقیقی و تشکل‌های اقتصاد کمک گرفته نشده است. بنابراین، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در ابتدای انقلاب، به اقتصاد به عنوان یک ابزار نگاه شده است (عسکراولادی، ۱۳۹۴). البته این مسئله با توجه به ملاحظات آرمانی جمهوری اسلامی ایران در عرصه نظام بین‌الملل امری طبیعی است.



– حرفه‌ای نبودن ساختار نهادی و دیوان‌سالار

مانع دیگر را می‌توان در حوزه نهادی بیان کرد؛ به طوری که ساختار مناسب اقتصادی در برخی نهادها، از جمله وزارت امور خارجه وجود ندارد یا نوپا هستند و ضعف رسانه‌ای، تشکیلات اقتصادی و فضای سیاسی نامناسب نیز این روند را تشدید می‌کند. به عبارتی، حرفه‌ای نبودن ساختار مذکور، فقدان دیوان‌سالاری مناسب و بی‌توجهی به کادرسازی در این حوزه برای بخش‌های مختلف، مزید بر علت شده است. لازم است نمایندگان و رایزن‌های اقتصادی اعزام‌شده از اقتصاد ایران و همچنین اقتصاد کشور هدف مطلع باشند یا دست‌کم به مقدمات و محذورات اقتصادی نیم‌قرن گذشته اشراف داشته باشند. علاوه بر این، یادگیری زبان رایج در آن کشور امری ضروری به نظر می‌رسد (عسکراولادی، ۱۳۹۴).

بنابراین، برخی نهادهای ذی‌ربط، مانند سازمان توسعه تجارت، می‌توانند با تعامل متقابل با اتاق بازرگانی، وزارت امور خارجه، تشکل‌های اقتصادی و تجاری که در کشورهای هدف، در حوزه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، در حال فعالیت هستند و به طور میدانی مسائل و نیازها را شناسایی می‌کنند، به تبادل نظر درباره صادرات و واردات کالا، ترانزیت، فعالیت‌های معدنی و اقدامات دیگر به منظور ترسیم نقشه راه و هدف‌گذاری در آن کشورها بپردازند و نتایج را در اختیار رایزن‌های بازرگانی قرار دهند.

– اقتصاد تک‌محصولی

اقتصاد ایران به دلیل وابستگی به فروش محصولات هیدروکربنی و درآمدهای ارزشی حاصل از فروش آنها در تعامل با نظام اقتصاد جهانی دچار برخی مخاطرات و تهدیدها شده است؛ به ویژه زمانی که بازارهای جهانی و تغییر و تحولات آن در تعیین و پیش‌بینی قیمت نفت تأثیرگذارند. بنابراین، وابستگی قریب به ۸۰ درصد اقتصاد جمهوری اسلامی به درآمدهای ارزی نفت و تا اندازه‌ای گاز طبیعی سبب شده است هر نوع تنش‌زایی در حوزه روابط خارجی جمهوری اسلامی یا تحول در نظام اقتصاد سیاسی بین‌المللی، کارکرد دیپلماسی اقتصادی را با وضعیت نامطمئنی روبه‌رو سازد و سطح تهدیدهای امنیت اقتصادی کشور به لحاظ وابستگی به درآمدهای نفتی افزایش یابد (سلطانی، ۱۳۸۸).

– بی‌توجهی به دیپلماسی اقتصادی در حوزه سیاست خارجی

اقتصاد سیاسی به مفهوم دیپلماسی اقتصادی کارآمد، با توجه به سیاست‌ها و

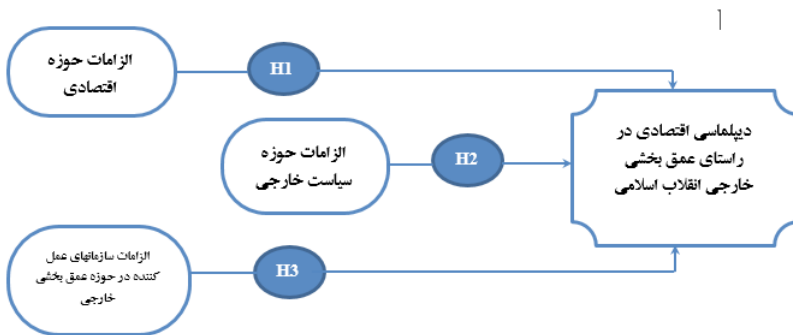


رویکردهای دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران، جایگاه و اولویت اصلی را در عرصه سیاست خارجی ندارد و در واقع، جامعه‌محور نبودن اقتصاد چالش دیگری است که خود زمینه رشد رانت و فساد اقتصادی را فراهم می‌آورد و از جذب سرمایه‌گذاری‌ها جلوگیری می‌کند. بنابراین، فقدان دیپلماسی اقتصادی در اقتصاد و سیاست خارجی امری مشهود است (عسکراولادی، ۱۳۹۴).

مدل تحلیلی تحقیق

مدل تحلیلی تحقیق در اصطلاح به یکی از مراحل انجام تحقیق تبیینی گفته می‌شود که در این مرحله رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته بررسی و ترسیم می‌شود. مدل تحلیلی، الگویی مفهومی و بنیادین است که تمام تحقیق روی آن بنا نهاده می‌شود و از طریق آن پژوهشگر بین عواملی که در ایجاد مسئله تحقیق مهم هستند ارتباط برقرار و فرضیه‌های قابل آزمون خود را ایجاد می‌کند.

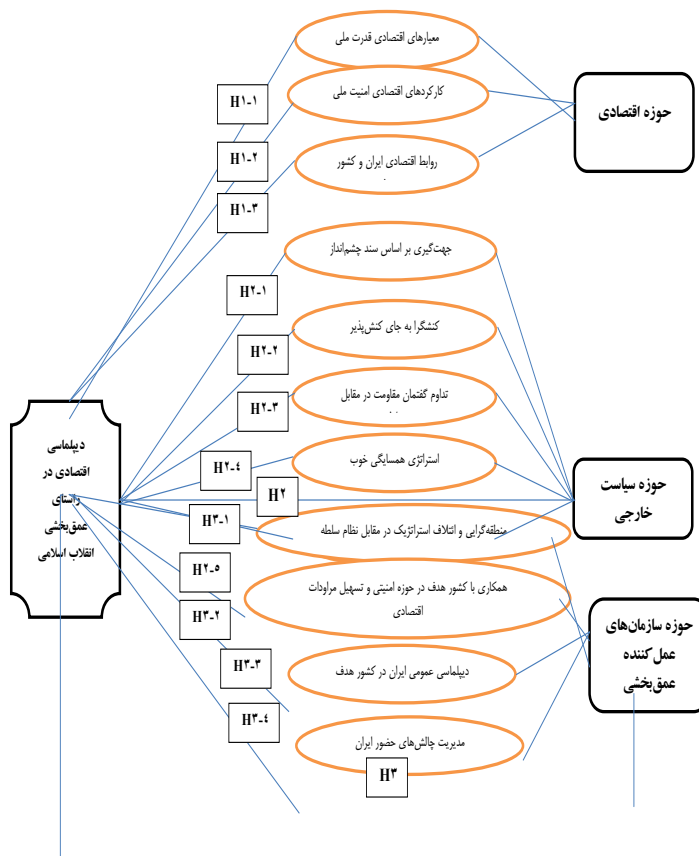
بر این اساس می‌توان مدل تحلیلی ارتباط هر یک از سه بعد الزامات حوزه سیاست خارجی، حوزه اقتصادی و حوزه بخش سازمان‌های عمل‌کننده با دیپلماسی اقتصادی را این‌گونه ترسیم کرد:



نمودار ۱- مدل تحلیلی تحقیق (سطح صفر)

در نمودار بالا رابطه میان متغیرهای وابسته و مستقل در سطح لایه بالایی و اولیه یا در اصطلاح سطح صفر ترسیم شده است. همان‌گونه که در بخش‌های قبل ملاحظه شد، محقق تلاش کرده است مطالعه وسیع و جامعی در حوزه نظری برای پیشنهاد مدل تحقیق انجام دهد. در اینجا با استفاده از متون گوناگونی که در ارتباط با موضوع تحقیق، بررسی و تجزیه و تحلیل شده‌اند و مصاحبه‌ها، مطالعات و مشاهدات اکتشافی استخراج شده، مدل تحلیلی سطح یک را ترسیم می‌کنیم.





نمودار ۲ - مدل تحلیلی تحقیق (سطح یک)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱. بخش اول: آمار توصیفی

با توجه به جدول زیر مشخص می‌شود غالب پاسخ‌گویان را که ۸۶ نفر معادل ۵۷/۳ درصد هستند، افراد محقق، پژوهشگر و خبره تشکیل داده‌اند. ۱۱/۷ درصد نمونه را اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۷/۷ درصد را کارشناسان و مدیران اجرایی و ۱۳/۳ درصد را فعالان بخش خصوصی و بازرگانی تشکیل داده‌اند.

جدول ۱ - درصد فراوانی

درصد	فراوانی	نوع شغل
۵۷	۸۶	محقق، پژوهشگر و خبره
۱۲	۱۸	اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها
۱۸	۲۷	کارشناسان و مدیران اجرایی
۱۳	۲۰	فعالان بخش خصوصی و بازرگانی
۱۰۰,۰۰	۱۵۱	کل

تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق براساس پارامترهای مرکزی (میانگین، میانه، مد) و پارامترهای پراکندگی (انحراف معیار، واریانس و دامنه تغییرات) برای عامل‌های اصلی تحقیق در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق

بیشینه	کمینه	دامنه تغییرات	واریانس	انحراف معیار	مد	میانه	میانگین	تعداد	حوزه
۵,۰۰۰	۱,۶۰۰	۳,۴۰۰	۰,۲۹۰	۰,۵۳۸	۴,۱۵۱	۴,۱۵۱	۴,۰۰۶	۱۵۱	حوزه اقتصادی
۵,۰۰۰	۱,۴۰۰	۳,۶۰۰	۰,۴۳۶	۰,۶۶۰	۳,۴۰۰	۳,۶۰۰	۳,۵۵۰	۱۵۱	حوزه سیاست خارجی
۵,۰۰۰	۱,۰۰۰	۴,۰۰۰	۰,۳۱۱	۰,۵۵۷	۴,۰۰۰	۳,۸۰۰	۳,۷۹۲	۱۵۱	حوزه سازمان‌های عمل‌کننده

براساس این جدول مشخص است ۱۵۱ پاسخ صحیح به همه پرسش‌های پژوهش گردآوری شده است. همچنین بیشترین میانگین به حوزه اقتصادی با مقدار ۴/۰۰۶ تعلق دارد که از مقدار زیاد طیف لیکرت نیز بالاتر است. دامنه تغییرات از ۱ تا ۴ در نوسان است. حوزه سازمان عمل‌کننده بیشترین انحراف معیار را دارد. میانه و مد نشان می‌دهد بیشتر پاسخ‌دهندگان گزینه ۳ و ۴ به معنای متوسط و زیاد را انتخاب کرده‌اند. بعد از ارائه یک تحلیل کلی از مشخصات پاسخگویان، در این مرحله لازم است ابتدا وضعیت توزیع نرمال متغیرهای تحقیق بررسی شود تا نسبت به استفاده از آنها در فاز مدل‌سازی اقدام شود.



۲. بررسی وضعیت نرمال بودن تک‌متغیره

جدول ۳- آزمون نرمال بودن داده‌ها

حوزه بخش خصوصی	حوزه سیاست خارجی	حوزه اقتصادی	
۱۵۱	۱۵۱	۱۵۱	N
۳,۷۹۲	۳,۵۵۰	۴,۰۰۶	میانگین
۰,۵۵۷	۰,۶۶۰	۰,۵۳۸	انحراف معیار
۱,۵۶۶	۱,۱۶۷	۲,۶۹۵	کولموگروف- اسمیرنوف
۰,۰۵۸	۰,۰۷۷	۰,۲۸۹	معناداری

براساس نتایج مندرج در جدول ۳، در تمامی موارد مقدار معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ به دست آمده است؛ بنابراین دلیلی برای رد فرض وجود ندارد؛ یعنی توزیع داده‌های سنجش هریک از ابعاد نرمال است. از این رو می‌توان از آزمون‌های پارامتریک و تحلیل عامل تأییدی استفاده کرد.

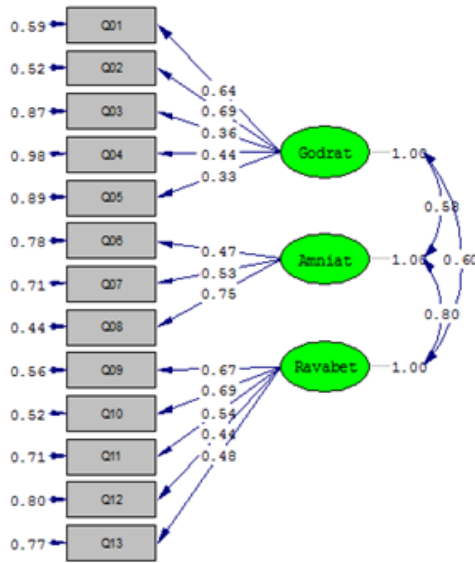
۳. اعتبارسنجی مدل تحقیق با مدل معادلات ساختاری

الف) مدل تحلیل عاملی تأییدی حوزه اقتصادی

نتایج تحلیل عاملی زیرحوزه اقتصادی در شکل ۱ ارائه شده است. برای سنجش حوزه اقتصادی سه متغیر به کار رفته است. هریک از این متغیرها با اندیس Q_1 تا Q_{13} (طبق سؤال‌های پرسشنامه) نمایش داده شده است. بار عاملی مشاهده در تمامی موارد مقداری بزرگ‌تر از ۰/۳ دارد که نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرهای پنهان (ابعاد هر یک از سازه‌های اصلی) با متغیرهای قابل مشاهده قابل قبول است. پس از اینکه همبستگی متغیرها شناسایی شد، باید آزمون معناداری صورت گیرد.

برای بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره t -value استفاده می‌شود. چون معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بررسی می‌شود، اگر آماره آزمون t -value از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگ‌تر باشد، رابطه معنادار است. براساس نتایج شاخص‌های سنجش هر یک از مقیاس‌های مورد استفاده در سطح اطمینان ۵ درصد مقدار آماره t -value بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است که نشان می‌دهد همبستگی‌های مشاهده‌شده معنادار است.





Chi-Square=116.46, df=62, P-value=0.00000, RMSEA=0.041

شکل ۱ - بار عاملی استاندارد تحلیل عاملی تأییدی حوزه اقتصادی

گام بعدی نیکویی برازش مدل است. یکی از شاخص‌های عمومی برای به حساب آوردن پارامترهای آزاد در محاسبه شاخص‌های برازش، شاخص χ^2 - دو بهنجار است که از تقسیم ساده χ^2 - دو بر درجه آزادی مدل محاسبه می‌شود. چنانچه این مقدار بین ۱ تا ۵ باشد، مطلوب است (شوماخر و لومکس، ۱۹۸۸: ۸۸؛ کلاین، ۱۵۱۵: ۵۹؛ به نقل از قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). در این تحقیق χ^2 - دو بهنجار ۱/۸۷۸ به دست آمده است. همچنین شاخص RMSEA در بیشتر تحلیل‌های عاملی تأییدی و مدل‌های معادلات ساختاری به عنوان یک شاخص برازش اصلی استفاده می‌شود. اگر این شاخص کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، مطلوب است. در مدل اشباع‌شده تحقیق حاضر نیز شاخص RMSEA برابر ۰/۰۴۱ به دست آمده است که نشان می‌دهد برازش مدل مطلوب است. (اشباع‌سازی در دو مرحله انجام شده است).

ب) مدل تحلیل عاملی تأییدی حوزه سیاست خارجی

برای سنجش سیاست خارجی از ۵ عامل اصلی (متغیر پنهان) و ۱۲ پرسش (متغیر قابل مشاهده) هریک از این متغیرها با اندیس Q_{14} تا Q_{25} در شکل ۳ نمایش داده شده است. بار عاملی استاندارد تحلیل عاملی تأییدی برای سنجش قدرت رابطه بین

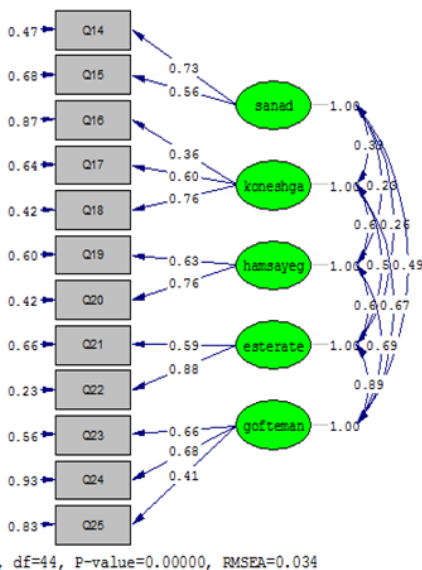


هر عامل (متغیر پنهان) با متغیرهای قابل مشاهده آن (گروه‌های پرسشنامه) در تمامی موارد بزرگ‌تر از $0/3$ به دست آمده است؛ بنابراین ساختار عاملی پرسشنامه قابل تأیید است. بعد از محاسبه بار عاملی استاندارد باید آزمون معناداری صورت گیرد. براساس نتایج مشاهده‌شده، بار عاملی آماره t شاخص‌های سنجش هر یک از ابعاد مورد مطالعه در سطح اطمینان ۵ درصد مقداری بزرگ‌تر از $1/96$ است؛ بنابراین همبستگی‌های مشاهده‌شده معنادار است.

تحلیل عاملی تأییدی مقیاس سیاست خارجی در سه مرحله اشباع شده است؛ به همین علت شاخص‌های برازش مقادیر مطلوبی را نشان می‌دهند. شاخص برازش RSMEA برابر $0/34$ به دست آمده است که حتی از مقدار سخت‌گیرانه $0/05$ نیز کوچک‌تر است. مقدار χ^2 - دو بهنجار (خی دو تقسیم بر درجه آزادی) نیز $1/670$ به دست آمده و بسیار به یک نزدیک است؛ بنابراین مدل ساختاری مشاهده‌شده از برازش مطلوبی برخوردار است.

ج) مدل تحلیل عاملی حوزه سازمان‌های عمل‌کننده

برای سنجش بخش خصوصی از ۳ عامل اصلی (متغیر پنهان) و ۶ پرسش (متغیر قابل مشاهده) استفاده شده است.



شکل ۲- بارعاملی استاندارد تحلیل عاملی تأییدی سیاست خارجی

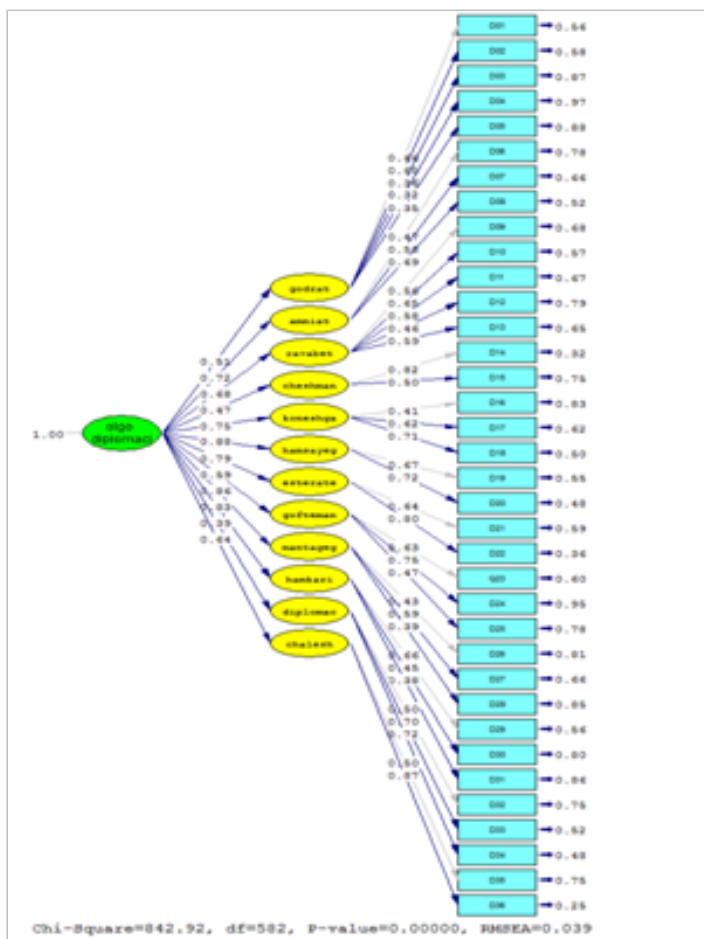
بار عاملی استاندارد تحلیل عاملی تأییدی برای سنجش قدرت رابطه بین هر عامل (متغیر پنهان) با متغیرهای قابل مشاهده آن (گویه‌های پرسشنامه) در تمامی موارد بزرگ‌تر از $0/3$ به دست آمده است؛ بنابراین ساختار عاملی پرسشنامه قابل تأیید است. بعد از محاسبه بار عاملی استاندارد باید آزمون معناداری صورت گیرد. براساس نتایج مشاهده‌شده، بار عاملی آماره t شاخص‌های سنجش هر یک از ابعاد مورد مطالعه در سطح اطمینان ۵ درصد مقداری بزرگ‌تر از $1/96$ است؛ بنابراین همبستگی‌های مشاهده‌شده معنادار است.

تحلیل عاملی تأییدی مقیاس بخش خصوصی در سه مرحله اشباع شده است؛ به همین علت شاخص‌های برازش مقادیر مطلوبی را نشان می‌دهند. شاخص برازش RSMEA برابر $0/025$ به دست آمده که حتی از مقدار سخت‌گیرانه $0/05$ نیز کوچک‌تر است. مقدار χ^2 - دو بهنجار (χ^2 دو تقسیم بر درجه آزادی) نیز $1/266$ به دست آمده و بسیار به یک نزدیک است؛ بنابراین مدل ساختاری مشاهده‌شده از برازش مطلوبی برخوردار است.

۴. مدل کلی تحلیل مسیر

بعد از تأیید ساختار عاملی سازه‌های پژوهش، برای بررسی روابط میان متغیرها از مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل به صورت تفکیک‌شده ارائه شده است. همچنین مدل کلی تحقیق در پایان ارائه شده است. در این مدل روابط میان متغیرهای پژوهش در خروجی نرم‌افزار لیزرل قابل مشاهده است.



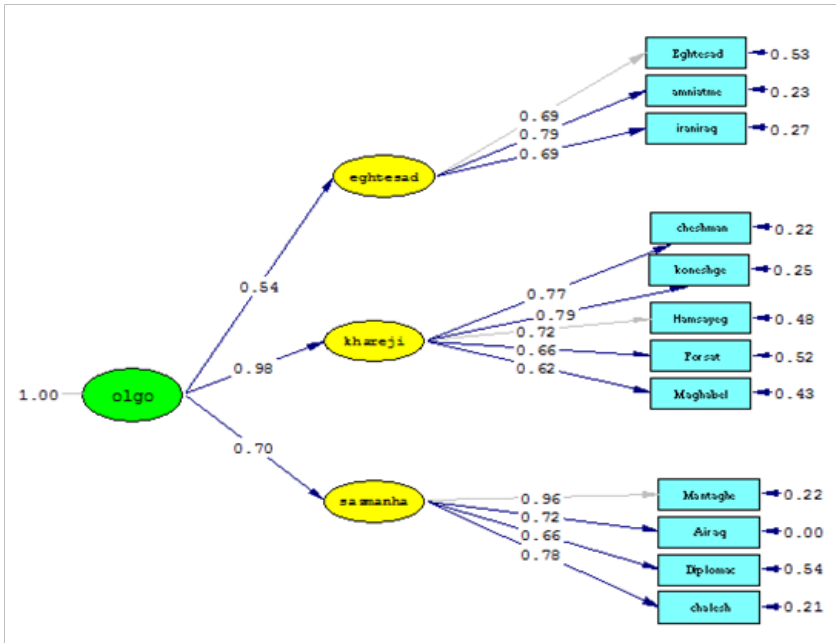


شکل ۳ - بار عاملی استاندارد آزمون فرضیه‌های تحقیق

جدول ۴- ضرایب مسیر آثار مستقیم سازه‌ها بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و معنی‌داری پارامترهای برآوردشده

مقادیر آزمون			مسیر مورد مطالعه در مدل
نتیجه	t-value	ضریب مسیر	
حوزه اقتصادی			
پذیرش	۶,۴۲	۰,۵۱	معیارهای اقتصادی قدرت ملی ← حوزه اقتصادی
پذیرش	۶,۶۵	۰,۷۲	کارکردهای اقتصادی امنیت ملی ← حوزه اقتصادی
پذیرش	۹,۵۹	۰,۶۸	روابط اقتصادی ایران و کشورهای دیگر ← حوزه اقتصادی
حوزه سیاست خارجی			
پذیرش	۶,۹۱	۰,۴۷	جهت‌گیری بر اساس سند چشم‌انداز ← حوزه سیاست خارجی
پذیرش	۶,۰۵	۰,۷۵	سیاست خارجی کنش‌گرا به جای کنش‌پذیر ← حوزه سیاست خارجی
پذیرش	۹,۱۸	۰,۸۸	استراتژی همسایگی خوب ← حوزه سیاست خارجی
پذیرش	۹,۱۸	۰,۷۹	استفاده از فرصت‌های استراتژیک ← حوزه سیاست خارجی
پذیرش	۱۰,۷۰	۰,۵۹	تناوب گفتمان مقاومت در مقابل سلطه ← حوزه سیاست خارجی
حوزه سازمان‌های عمل‌کننده			
پذیرش	۶,۶۸	۰,۸۶	منطقه‌گرایی و ائتلاف استراتژیک ← حوزه سازمان‌های عمل‌کننده
پذیرش	۱۰,۲۵	۰,۸۳	همکاری با کشور در حوزه امنیتی و تسهیل مرادات ← حوزه سازمان‌های عمل‌کننده
پذیرش	۴,۸۳	۰,۳۹	دیپلماسی عمومی ایران در کشور دیگر ← حوزه سازمان‌های عمل‌کننده
پذیرش	۵,۵۷	۰,۶۴	مدیریت چالش‌های حضور ایران در کشور دیگر ← حوزه سازمان‌های عمل‌کننده

۵. تحلیل مسیر آثار حوزه‌های سه‌گانه بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در این مرحله به منظور بررسی آثار حوزه‌های سه‌گانه در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از مدل مسیر سلسله مراتبی در سطح سوم استفاده شد.



Chi-Square=118.45, df=40, P-value=0.00000, RMSEA=0.088

شکل ۴- مدل عمومی لیزرل (مدل تحلیل مسیر) الگوی دیپلماسی اقتصادی



مدل به عنوان مدل نهایی و برآزش یافته پذیرفته می‌شود؛ از این رو در اینجا می‌توان پارامترهای برآورد شده در مدل اصلاح شده نهایی را قابل اتکا دانست و از آنها برای آزمون فرضیات تحقیق استفاده کرد؛ زیرا این ضرایب در مدلی محاسبه شده‌اند که اولاً هیچ خطای کوواریانسی باقی نمانده است. ثانیاً تمام مسیرها پیش‌بینی شده‌اند که در اصطلاح مدل، اشباع‌ترین حالت خود را دارد. مقادیر ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA نیز در مدل دهم به مقدار مناسبی رسیده و عملیات به اتمام رسیده است و می‌توان پارامترهای برآورد شده در مدل را به لحاظ آماری صد در صد قابل اتکا دانست و از آن برای آزمون فرضیات استفاده کرد. بنابراین مدل نظری تحقیق در رابطه با آثار علی و ارتباطی مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۵- ضرایب مسیر آثار مستقیم سازه‌ها بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

مقادیر آزمون		ضریب مسیر	مسیر مورد مطالعه در مدل
نتیجه	t-value		
پذیرش	۸,۱۴	۰,۵۴	حوزه اقتصادی ← دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
پذیرش	۷,۲۳	۰,۹۸	حوزه سیاست خارجی ← دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
پذیرش	۹,۲۹	۰,۷۰	حوزه سازمان‌های عمل‌کننده ← دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

با داشتن اطلاعات مربوط به سطح روابط بین نشانگرها و سازه‌ها در مراحل قبلی، در این مرحله روابط بین حوزه‌های سه‌گانه با دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفت.

جدول ۶- نقشه راه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر اساس حوزه‌ها و نقش محوری آنها

حوزه اقتصادی (۳)	حوزه سیاست خارجی (۱)	حوزه سازمان‌های عمل‌کننده (۲)
کارکردهای اقتصادی امنیت ملی	استراتژی همسایگی خوب	منطقه‌گرایی و ائتلاف استراتژیک
↓	↓	↓
روابط اقتصادی ایران و کشورها	استفاده از فرصت‌های استراتژیک	همکاری با کشور هدف در حوزه امنیتی و تسهیل مراودات اقتصادی
↓	↓	↓
معیارهای اقتصادی قدرت ملی	سیاست خارجی کنش‌گرا به جای کنش‌پذیر	مدیریت چالش‌های حضور ایران در کشور هدف
↓	↓	↓
	تداوم گفت‌وگو مقاومت در مقابل سلطه	دیپلماسی عمومی ایران در کشور هدف
	↓	
	جهت‌گیری بر اساس سند چشم‌انداز	

۷. معادله عوامل مؤثر بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق بخشی خارجی

بر این اساس می توان الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را در راستای عمق بخشی خارجی در یک نمودار به هم تنیده عواملی که در قالب یک رابطه متعامل تحلیل عملی در این تحقیق به دست آمده است، در قالب شکل زیر ارائه کرد. بر این اساس می توان معادله ساختاری^۱ این مدل را مانند معادله رگرسیون چندگانه به شکل زیر نوشت:

$$y = P_{41} X_1 + P_{42} X_2 + P_{43} X_3 + e$$

در اینجا p ها ضرایب مسیر یا به عبارتی، ضریب ساختاری هستند. e عامل خطا و Y متغیر درونزا و X_1 و X_2 و X_3 متغیرهای برونزا هستند. بنابراین بر اساس این تحقیق خواهیم داشت:

$$XEDI = \alpha EC + \beta FP + \varphi PR + \varepsilon$$

که در آن:

XEDI: دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق بخشی خارجی

EC: حوزه اقتصادی و α = ضریب مسیر حوزه اقتصادی

FP: حوزه سیاست خارجی و β = ضریب مسیر حوزه سیاست خارجی

PR: حوزه سازمان های عمل کننده و φ = ضریب مسیر سازمان های عمل کننده

بر این اساس نتایج تحقیق هر یک از بخش های معادله فوق، بر اساس محاسبات جدول های ۴ و ۵، به صورت زیر است:

$$EC = .72(RV) + .68(ME) + .51(KA) + e1: (R^2 = .08)$$

$$FP = 0.47(SC) + .75(FC) + .88(IS) + .79(FF) + .59(MS) + e2: (R^2 = .68)$$

$$PR = .86(MA) + .83(PI) + .64(SM) + e3: (R^2 = .68)$$

لذا خواهیم داشت:

$$XEDI = 0.54[.72(RV) + .68(ME) + .51(KA) + e1] + 0.98[.47(SC) + .75(FC) + .88(IS) + .79(FF) + .59(MS) + e2] + 0.70[.86(MA) + .83(PI) + .64(SM) + e3]: (R^2 = .74)$$

KA = معیارهای اقتصادی قدرت ملی، RV = کارکردهای اقتصادی امنیت ملی، TR = روابط اقتصادی ایران و کشورها، SC = جهت‌گیری بر اساس سند چشم‌انداز، FC = سیاست خارجی کنش‌گرا به جای کنش‌پذیر، IS = استراتژی همسایگی خوب، FF = استفاده از فرصت‌های استراتژیک، MS = تداوم‌گفتمان مقاومت در مقابل سلطه، MA = منطقه‌گرایی و ائتلاف استراتژیک، PI = همکاری با کشورها در حوزه امنیتی و تسهیل مراودات، INN = دیپلماسی عمومی ایران در کشورها و SM = مدیریت چالش‌های حضور ایران در کشورها.

ضرایب هریک از عوامل نیز ضریب مسیر یا بار عاملی محاسبه شده است. همچنین این الگو در شرایط ضرایب مجذور ضریب همبستگی چندگانه R^2 داده شده تخمین زده می‌شود. ضرایب تعیین برای هر یک از متغیرهای مستقل حوزه‌های اقتصادی، سیاست خارجی و سازمان‌های عمل‌کننده به منظور نشان دادن میزان قدرت پیش‌بینی آنها در برابر متغیر وابسته (دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق‌بخشی خارجی) است.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد کشورهایی که در حوزه دیپلماسی اقتصادی به برقراری روابط دو یا چندجانبه پایدار دست یافته‌اند، برای ارتقای حوزه اقتصادی، سیاست‌های اصلاح ساختاری و بهبود فضای کسب و کار را آغاز کرده‌اند. علاوه بر آن، سیاست خارجی فعال را اجرا کرده‌اند. اقدامات اساسی کشورهای موفق در حوزه دیپلماسی اقتصادی در جهت ایجاد و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، پیاده‌سازی پروژه‌های موفق حمل و نقل، گسترش راهبردهای توسعه ارتباطات و توسعه بسترهای ارتباطی در فضای بین‌الملل به عنوان دریچه‌ای برای این کار در نظر گرفته شده است.

۱. دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابزار دولت‌ها برای پیشبرد اهداف بلندمدت رشد و توسعه اقتصادی است. در شرایط کنونی منطقه و جهان، دولت‌ها برای دستیابی به موقعیت بهتر، نیازمند بهره‌گیری مناسب از فن دیپلماسی برای افزایش فرصت‌ها در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی، صدور خدمات، گسترش تجارت خارجی و برقراری روابط پایدار با سایر کشورها هستند. دیپلماسی اقتصادی عمده‌تاً در قالب استراتژی افزایش صادرات مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما شرایط ایران به علت داشتن تهدیدهای گوناگون تفاوت خاصی با کشورهای دیگر دارد و باید از طریق



پیمان‌های منطقه‌ای و ائتلاف‌های استراتژیک با کشورهای نزدیک و هم‌پیمان بتواند به این مهم دست یابد. وضعیت موجود ایران به خصوص در حوزه اقتصادی در سطح جهانی، چندان شایسته ایران و ایرانی نیست. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند ایران را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب برساند، دیپلماسی اقتصادی است. دیپلماسی اقتصادی ایران نیازمند چهار پیش‌شرط، چهار اقدام در سطح ملی و شش اقدام در سطح بین‌المللی برای کامیابی است. چهار پیش‌شرط شامل شناخت دقیق وضعیت موجود، اجماع نظر میان نخبگان، شناخت قواعد بازی و اعتقاد و التزام به عمل و نه شعار در سطح ملی و بین‌المللی است. چهار اقدام در سطح ملی شامل بازتعریف دیپلماسی، بازتعریف وظایف دستگاه دیپلماسی و دیپلمات‌ها، ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی و فضا سازی برای حضور بخش خصوصی و اعتقاد به آن در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و شش اقدام در سطح بین‌المللی شامل اتخاذ استراتژی‌های مناسب، توجه به ژئوپلیتیک بی‌همتای ایران، ارتباط شایسته با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اقتصادی، شناخت بازارهای هدف و برنامه‌ریزی برای فتح آن و استفاده از بسترهای موجود در کشورهای هم‌پیمانی چون عراق است تا برآیند آن تغییر جایگاه ایران در نظام بین‌المللی به‌ویژه اقتصاد بین‌الملل باشد. ایران ظرفیت‌های متعدد برای صادرات دارد و دیپلماسی اقتصادی باید بار اصلی آن را به دوش بکشد. بازار کشورهای همسایه به خصوص افغانستان و عراق می‌تواند با قراردادهای جامع اقتصادی روی کالاهای ایرانی باکیفیت باز شود. در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی، صنایع دستی و صنایع فرهنگی، ایران مزیت نسبی بالایی در منطقه و حتی جهان دارد.

۲. در این تحقیق پس از انجام مطالعات و استخراج عوامل احصاشده از ادبیات نظری، مطالعات اکتشافی، تجربیات کشور، بررسی چارچوب بومی اسلامی- ایرانی و مصاحبه با خبرگان، ابعاد، عوامل، متغیرها و شاخص‌های مؤثر در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران طی یک الگوی پیشنهادی تحقیق شناسایی و معرفی شدند که طی شش مرحله «پالایش، تلفیق، تعدیل و غربالگری و در نهایت توسعه جامع نمونه آماری» و به وسیله تحلیل معادلات ساختاری در سه بعد حوزه اقتصادی، حوزه سیاسی و حوزه سازمان‌های عمل‌کننده، الگوی تحقیق معرفی شد.

۳. طبق نتایج مدل تحقیق، مشخص شده است اثر حوزه اقتصادی که دربرگیرنده سه عامل اصلی معیارهای اقتصادی قدرت ملی، کارکردهای اقتصادی امنیت ملی و



روابط اقتصادی ایران و کشور هدف است، اثر حوزه سیاست خارجی که دربرگیرنده پنج عامل اصلی جهت‌گیری بر اساس سند چشم‌انداز، سیاست خارجی کنش‌گرا به جای کنش‌پذیر، استراتژی همسایگی خوب، استفاده از فرصت‌های استراتژیک، تداوم گفت‌وگو مقاومت در مقابل سلطه است و در نهایت اثر حوزه سازمان‌های عمل‌کننده که دربرگیرنده چهار عامل اصلی منطقه‌گرایی و ائتلاف استراتژیک، همکاری با کشور هدف در حوزه امنیتی و تسهیل مراودات اقتصادی، دیپلماسی عمومی ایران در آن کشور و مدیریت چالش‌های حضور ایران بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، به میزان معنی‌داری تخمین زده شده و طبق قانون معنی‌داری مشخص شده است. حوزه سیاست خارجی، حوزه اقتصادی و سازمان‌های عمل‌کننده نقش اساسی در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارند. از آنجا که ضرایب به صورت استاندارد شده ارائه شده‌اند، قابلیت مقایسه با یکدیگر را دارند. از این رو مشخص می‌شود حوزه سیاست خارجی رتبه اول، سازمان‌های عمل‌کننده از نظر خبرگان رتبه دوم و حوزه اقتصادی رتبه سوم را بین سه دسته متغیرهای اثرگذار بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی در قالب سه دسته دارند.

در مصاحبه با فعالان اقتصادی در بخش خصوصی مرتبط با تجارت خارجی، خلأ دیپلماسی در روابط تجاری عامل مؤثر در این زمینه دانسته شده است. مصداق این قضیه تصمیم‌ها و محدودیت‌های یک‌شبه و ناگهانی کشورهایمانند عراق در واردات کالای ایرانی است. فعالان اقتصادی نسبت به خطر حذف بازارهایی مانند عراق هشدار می‌دهند و معتقدند سوءاستفاده عراق از محدودیت بازارهای صادراتی ایران، سیاست حمایتی عراق از تولید داخلی و مشکلات مراودات بانکی از چالش‌های پیش روی دیگر است. «سیاست خارجی ایران هنوز نتوانسته در مسائل اقتصادی آن‌طور که انتظار می‌رود، عملکرد موفق‌تری داشته باشد.» این ادعای اکثر فعالان بخش خصوصی است که در مصاحبه با آنها بیان شده است. آنها می‌گویند گرچه روابط سیاسی ایران و عراق دوستانه و سیاست‌های دو کشور، مکمل یکدیگر است، اما در زمینه اقتصادی، شاهد تصمیم‌های ناگهانی و یک‌شبه از سوی دولت عراق برای محدودیت ورود کالاهای ایرانی به این کشور هستیم. محدودیت بازارهای صادراتی ایران و سوءاستفاده کشورهای همچون عراق از چنین موقعیتی، منفعل بودن سیاست خارجی در زمینه مذاکرات اقتصادی، پیشی گرفتن سایر کشورها در مذاکرات اقتصادی برای دسترسی به بازارهای



عراق، شرایط نامساعد داخلی و اختلافاتی که در بدنه تصمیم‌گیری کشورهای هدف وجود دارد و... موجب اخذ چنین تصمیم‌هایی می‌شود.

پیشنهادها

۱. حوزه سیاست خارجی

- تدوین راهکارهای برقراری روابط اقتصادی با کشورهای دیگر مبتنی بر پیشگیری، مقابله و دور زدن تحریم‌ها به صورتی کارآمد و بدون ابهام؛
- ایجاد ستادی زیر نظر ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی برای مدیریت دیپلماسی اقتصادی؛
- ایجاد واحد اقتصاد بین‌الملل در مجموعه دستگاه دیپلماسی؛
- ایجاد مرکز روابط اقتصادی ایران در سفارتخانه‌ها.

۲. حوزه سازمان‌های عمل‌کننده

- تشکیل ستاد دیپلماسی اقتصادی ایران؛
- ایجاد رشته با گرایش دیپلماسی اقتصادی؛
- لغو روادید عبور و مرور بین ایران و کشورهای هدف (حتی به صورت یک‌طرفه از جانب ایران)؛
- برقراری هماهنگی با واحدهای اقتصادی کشور هدف برای تسهیل مراودات اقتصادی با ایران؛

۳. حوزه اقتصادی

- ارتقای واحد روابط بین‌الملل نهادهای اقتصادی کشور؛
- فعال کردن پایگاه اینترنتی و بانک اطلاعات به نام دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛
- استفاده از پتانسیل صادرات مجدد کالا از ایران به کشورهای همسایه؛
- حل مشکلات حمل و نقل بین دو کشور؛
- اقدامات لازم برای حضور تجار ایران در کشور هدف؛
- رفع محدودیت‌های نقل و انتقال مالی؛
- توجه به جایزه صادراتی و عدم حضور تجار ایرانی در کشورها.



منابع فارسی

- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۸۵)، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسین سعید کلاهی، تهران: میزان.
- الرشید، هارون (۱۳۸۵)، «دیپلماسی اقتصادی»، ترجمه مهدی عباسی، فصلنامه فرهنگ اندیشه، س ۵، ش ۱۹، پاییز.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۵)، «مذهب و روابط بین‌الملل پس از یازده سپتامبر»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۲۰، ش ۲۲۴ - ۲۲۳.
- فهیم یحیایی، ف (۱۳۸۱)، «سیاست‌های انتقال و توسعه فناوری در کشور چین»، رهیافت، ش ۲۸.
- لاردی، ن. (۱۳۷۴)، چین در اقتصاد جهانی، ترجمه غ. آزاد ارمکی و ن. نوری، چ ۱، تهران: کویر.
- معصومی فر، ا. (۱۳۸۴)، الگوی توسعه اقتصادی چین، چاپ اول، تهران: سروش.
- موسوی شفايي، مسعود (۱۳۸۸)، «دیپلماسی اقتصادی، ابزاری نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن»، در مجموعه مقالات دیپلماسی اقتصادی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- وابسته بازرگانی سفارت ایران در پکن؛ <http://www.ircoach.ir>.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «زاهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا»، ترجمه محمود واعظی، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، چ ۱، تهران: مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- هافمن، استنلی (۱۳۸۵)، روابط بین‌الملل؛ علم اجتماعی آمریکایی؛ ماهیت و هدف نظریه روابط بین‌الملل، از ولینلیتر، ترجمه لی‌لا سازگار، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.

منابع لاتین

- Bayne, Nicholas, Woolcock, Stephen (2010), 2nd edition, The New Economic Diplomacy, Decision-making and Negotiation in International Economic Relations.
- Fung, K., Iozaka, H., and Tong, S. (2002), "Foreign Direct Investment in China: Policy, Trend and Impact", Retrieved from <http://www.hiebs.hku.hk>.
- Günther Hilpert, Hanns (2014), China's Trade Policy; Dominance without the Will to Lead, RP 1, Berlin.

- Hooghe, Ingrid d' (2007), "The Rise of China's Public Diplomacy", The Hague, Netherlands Institute of International Relations Clingendael, Clingendael Diplomacy Papers, No. 12.
- Jönsson, Christer and Hall, Martin (2005), "Essence of Diplomacy (Studies in Diplomacy and International Relations)", Published by Palgrave Macmillan.
- Kostecki, M., and Naray, O. (2007), *Discussion Papers in Diplomacy, Comercial Diplomacy and International Business*, Netherlands Institute of International Relations Clingendael.
- Lee, Donna and Brian Hocking (2010), "Economic Diplomacy", in Robert A. Denemark (ed.), *The International Studies Encyclopedia*, Vol. II.
- Lew, A. A., Yu, L., Ap, J., and Guangrui, Z. (2003), *Tourism in China* (The Haworth Hospitality Press®, an imprint of The Haworth Press, Inc.) Retrieved from <http://fama2.us.es:8080/turismo>.
- Medeiros, E., and Fravel, M. (2003, November/December), "China's New Diplomacy", *Foreign Affairs* .
- Medeiros, Evan S. (2006), "Chinese Foreign Policy: The Africa Dimension", Medeiros, China-Africa- 10-06.
- Naray, O. (2008), *Commercial Diplomacy: A Conceptual Overview, World Conference of TPOs The Hague The Netherlands*.
- Nye, JR. Joseph S. (2004), "The Means to Success in World Politics", Published in the United States By PublicAffairs™, Printed in the United States of America.

